

مقاله علمی

تحلیل جامعه‌شناختی نگرش‌های کلیشه‌ای و پیش‌داوری

در میان اقوام ایرانی^۱

علیرضا خانی^۲، علیرضا محسنی تبریزی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۶ تاریخ تایید: ۱۴۰۲/۱۲/۲۷

چکیده

پژوهش حاضر کاوشی در تحلیل جامعه‌شناختی نگرش‌های کلیشه‌ای و پیش‌داوری در میان اقوام ایرانی است. روش مطالعه، کیفی و تحلیل مضامین بر اساس نظریه مبنایی است که با ۱۱ نفر از قوم‌های کرد، لر، ترک و فارس با روش مصاحبه عمیق تا رسیدن به اشباع نظری از طریق پرسشنامه نیمه‌ساختارمند مصاحبه شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس کدگذاری باز و تحلیل مضمون انجام و بر اساس رویکرد استراوس و کوربین، مفاهیم در سه گروه شرایط زمینه‌ای، مداخله‌ای و میانجی در شکل‌گیری نگرش‌های کلیشه‌ای و میانجی درباره اقوام ایرانی دسته‌بندی شد و یک مدل پارادایمی برای تحلیل جامعه‌شناختی نگرش‌های کلیشه‌ای و پیش‌داوری در میان اقوام ایرانی استخراج شد. علل پیدایش تصورات قالبی و پیش‌داوری در میان اقوام عمدتاً تحت تأثیر احساس نیاز به اقتدار، ایجاد یا حفظ قدرت در برابر هژمونی دولت‌ها، رقابت میان گروه‌های قومی برای کسب قدرت و منزلت، ستیز میان منافع درون قومی در برابر منافع اقوام دیگر، حفظ تعلق به فرهنگ و قومیت و کسب هویت اجتماعی از طریق ازدواج درون‌گروهی است. در میان اقوام اقلیت، مقابله با هژمونی فرهنگی و زبانی قوم مسلط در پایتخت و در میان قوم فارس حفظ برتری و رسمیت زبان فارسی به عنوان شرایط علی تصورات قالبی و پیش‌داوری بیشترین نقش را دارد. نظام‌های اجتماعی، اعم از نظام آموزشی رسمی و غیررسمی، رسانه‌ای، سیاسی و مذهبی، تصورات قالبی و پیش‌داوری را در ایران تولید و بازتولید می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: نگرش‌های کلیشه‌ای و پیش‌داوری، فارس، ترک، کرد، لر

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری با عنوان «تبیین و تحلیل جامعه‌شناختی نگرش‌های کلیشه‌ای و پیش‌داوری در جامعه ایران معاصر» است که در بهمن ماه ۱۳۹۹ دفاع شده است.

۲ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران.
alirezakhani2010@gmail.com

۳ استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
m.tabrizi@ut.ac.ir

۱. مقدمه

از زمانی که والتر لپپمن^۱ در اثر معروف خود با عنوان «عقیدهٔ عمومی»^۲ منتشر شده در سال ۱۹۲۲ میلادی، مفهوم تصور قالبی یا نگرش کلیشه‌ای^۳ را وارد ادبیات و فرهنگ واژگان روان‌شناسی اجتماعی کرد، تحقیقات گسترده‌ای دربارهٔ این مفهوم از جنبه‌های مختلف اعم از اتیولوژی و شناخت علل و اسباب، منشأ، ریشه و مبدأ پیدایی، موضوع (تصور قالبی نسبت به چه کسی^۴ و نسبت به چه چیزی^۵، سنخ‌شناسی (تیپولوژی) و گوناگونی، ویژگی‌ها و خصوصیات، تمایز از مفاهیم نگرش^۶، پیشداوری^۷ و تعصب و تبعیض^۸، کارکردها، بنیان‌های نظری، شیوع و گستره، راهبردها و مداخلات اجتماعی صورت گرفته و بخشی از مباحث نظری و تجربی روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی گروه‌های اجتماعی را به خود اختصاص داده است.

در واقع می‌توان گفت «پیشداوری» بیانگر شکلی از نگرش خاص و غالباً منفی در خصوص یا نسبت به افراد برخی گروه‌های اجتماعی دارد (-Inzlicht & Schmader, 2012: 32). اتوکلاین برگ (۱۳۵۴) پیشداوری را «حکم مقدم بر تجربه» تعریف می‌کند. در واقع پیشداوری نگرشی است که افراد را وادار می‌کند تا اعضای یک گروه را منفی ارزشیابی کنند. از این منظر پیشداوری نگرش و حکمی مقدم بر تجربه است که افراد را وادار می‌کند تا اعضای یک گروه را منفی ارزشیابی کنند. نژاد و قومیت، ادیان و مذاهب، جنسیت، عقاید و ایدئولوژی‌ها، خرده‌فرهنگ‌ها، سبک‌های زندگی، آداب، عادات و سنت‌ها و مانند آن از موضوعاتی است که می‌توانند در معرض پیشداوری‌ها قرار گیرند. تصور قالبی با مفاهیم پیشداوری و تبعیض مرتبط است و زمانی حادث می‌شود که دو پدیده پیشداوری و تبعیض به صورت ثابت درآیند و تعمیمی کلی از نسبت دادن ویژگی‌های یکسان به تمام افراد یک گروه بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های میان آنها صورت دهد (Dresler, 1973: 74-81).

1 Walter Lippmann

2 public opinion

3 stereotype

4 about whom

5 about what

6 attitude

7 prejudice

8 discrimination

ایران سرزمینی است با فرهنگ‌ها، قومیت‌ها و مذاهب مختلف. ایرانیان سال‌ها در این سرزمین زیسته‌اند، احساس هویت ملی مشترکی داشته‌اند، خود را ایرانی دانسته‌اند و با حفظ احساس تعلق ملی، هویت خاص و موجودیت فرهنگی خود را به اعتبار قومیت، زبان و گویش، مذهب، آداب و رسوم، باورهای قومی، ذوقیات و خلقیات و مانند آن حفظ کرده و به تفاوت میان خود با سایر گروه‌ها و اقوام ایرانی آگاه بوده و به تمایز در عین وحدت باور داشته‌اند. بدین ترتیب آذری‌ها، کردها، لرها، بلوچ‌ها، ترکمن‌ها، فارس‌ها در عین حال که به تفاوت و تمایز خود با سایر اقوام ایرانی وقوف داشته‌اند به بیگانگی و وحدت با یکدیگر به اعتبار احساس هویت ملی، تاریخ مشترک. سرنوشت یکسان، ایرانی بودن و ... معتقد و مؤمن بوده‌اند (لرد کرزن، ۱۳۴۷). با وجود این اقوام ایرانی اعم از ترک، لر، کرد، عرب، ترکمن، فارس و با آئین‌ها، کیش‌ها و مذاهب مختلف نظیر زرتشتی، کلیمی، مسیحی و اسلام با وجود احساس هویت و وحدت ملی و سرنوشت مشترک به تفاوت و تمایز فرهنگی، قومی و آئینی میان خود و سایر اقوام و گروه‌های ایرانی آگاهی داشته‌اند. این آگاهی می‌تواند زمینه را برای متفاوت بودن با سایر گروه‌ها و متفاوت دیدن خود از آنها فراهم کند و همان طور که بارون، بیرون و واتسون و درس‌لر مدعی هستند آگاهی به تفاوت بین خود و دیگری می‌تواند زمینه‌ساز نگرش‌های مبتنی بر پیش‌داوری، احساس تبعیض و نگرش‌های کلیشه‌ای باشد و تعارضات میان گروه‌های اجتماعی را در درون یک جامعه نامتجانس تقویت کند (Baron, et al, 2001:170-176).

ایران با توجه به قدمت تاریخی، وسعت سرزمینی، غنای فرهنگی، تنوع قومی، گوناگونی و تنوع آداب، عادات، رسوم، لهجه‌ها و گویش‌ها، مذاهب و کیش‌ها، وقایع و حوادث اتفاقیه و تجارب زیسته تاریخی، سرزمینی است که به نظر می‌رسد در طول تاریخ متمادی و طولانی آن زمینه‌های شکل‌گیری باورها و نگرش‌های فرهنگی متنوع در شکل امثال و حکم، کلمات قصار، عبارات و اصطلاحات، تصورات قالبی، پیش‌داوری‌ها و نگرش‌های کلیشه‌ای فراهم آمده است. با توجه به کمیت و کیفیت تحقیقات و مطالعات علمی به ویژه از منظر مطالعات اجتماعی و روان‌شناسی اجتماعی، تحقیقات و مطالعات انجام‌شده در ایران قلیل، محدود به موضوعات اخص و فاقد غنا و جامعیت لازم، باریک‌بینی‌های علمی، نوآوری‌های روش‌شناختی، فرضیه‌آزمایی و نظریه‌پردازی است. به طوری که موضوعا (پیش‌داوری‌ها و تصورات قالبی نسبت به چه کسی و چه چیزی)، اشکال و صور (سنخ‌ها)، علل و زمینه‌های

پیدایی، شیوع و گستره، کارکردها، استمرار و رواج، زوال و افول و مانند آن در مطالعات انجام‌شده مغفول مانده است.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مفاهیم نگرش‌های کلیشه‌ای، تصورات قلبی، پیشداوری‌ها و تعصب و تبعیض مفاهیم درهم‌تنیده و به‌هم‌بسته‌های هستند که در ارتباط با هم عمل می‌کنند (Cox, et al. ۲۰۱۲: 12). تصور قلبی یا نگرش کلیشه‌ای^۱ واژه‌ای است ترکیبی مرکب از دو جزء stereos به معنی سخت، جامد و منجمد و types به معنی اثر، جای مهر و الگو. عقیده قلبی ریشه‌ای یونانی دارد و به معنای «محکم» و «غیرمتحرک» است و به اصطلاح تصور یا عقیده‌ای است که شخص یا گروهی بدون تعمق بپذیرد. به تصور قلبی، نگرش کلیشه‌ای نیز گفته می‌شود که ممکن است در یافتن علل دقیق مسائل و واقعیت‌های اجتماعی مشکلاتی به وجود آورد. (بیرو، ۱۳۸۰: ۳۷۶). در اغلب برداشت‌ها و تعاریف از مفهوم «تصور قلبی» به‌عنوان مفهومی مرتبط با پیشداوری و تبعیض^۲ نام برده شده و آن را بخشی از نگرش‌ها، باورها و فرهنگ هر جامعه‌ای دانسته‌اند (Dresler, 1973).

نگرش کلیشه‌ای تصویری کلی و بی‌انعطاف تعریف می‌شود که در ذهن انسان جای می‌گیرد و در قضاوت‌ها به کار می‌رود. (اتوکالین برگ، ۱۳۵۴). در واقع تفکر قلبی ترکیبی از تبعیض‌ها و پیشداوری‌هاست و به هر نوع باور تعمیم‌یافته و اغلب نادرست دربارهٔ گروهی از مردم اطلاق می‌شود. اصطلاح «تفکر قلبی» را نخستین بار والتر لپمن در سال (۱۹۵۴) به کار گرفت. لپمن در بحث از باورها و اندیشه‌ها، تفکر قلبی را قالب‌های ساخته و پرداخته ذهنی می‌داند که شخص ادراک‌های خود را در آن جای می‌دهد و این قالب‌ها (کلیشه‌ها) به ادراک‌های او رنگ و شکل خاصی می‌بخشد. به زعم لپمن اعتقاد به تیره‌بختی نژاد سیاه، کفر و نفاق میان اعراب، مال‌دوستی و خست یهودیان، نحسی عدد ۱۳، ساده‌لوحی و بلاهت لهستانیها، عاشق‌پیشگی ایتالیایی‌ها و نمونه‌هایی از این قبیل هم تفکرات قلبی هستند که به صورت میراث اجتماعی درآمده و تا زمانی که پذیرفته شده‌اند می‌توانند از نسلی به نسلی دیگر منتقل شوند. درس‌ها دربارهٔ خاستگاه اندیشه‌های کلیشه‌ای معتقد است که تفکرات قلبی اغلب معلول

1 stereotype

2 discrimination

جهل و ناآگاهی¹، گاه معلول تنبلی ذهن و زمانی نتیجه خودخواهی، تعصب، کینه، حسد یا عصبیت‌های آشکار و ناپیدایی است که در باب یک گروه، طبقه اجتماعی، یک فرد یا شیء ساخته می‌شود و حاصل تجربه مستقیم با واقعیت نیست. در واقع می‌توان تفکر قالبی را ترکیبی از تبعیض‌ها و پیش‌داوری دانست که به هر نوع باور و نگرش تعمیم‌یافته و اغلب منفی و نادرست درباره گروهی از مردم اطلاق می‌شود که بر پایه آن شخص می‌پندارد که همه افراد آن گروه از ویژگی معینی برخوردارند. روان‌شناسان اجتماعی و جامعه‌شناسان، تفکرات قالبی را جزئی از قلمرو شناختی به‌شمار می‌آورند (Dresler, 1973: 76-79).

به زعم آنان اندیشه‌های کلیشه‌ای با داوری ارزش‌ها مشخص نمی‌شود. از این‌رو «اندیشه کلیشه‌های بنیان و اساس شناختی پیش‌داوری است». به عبارت دیگر تفکر قالبی در مقابل پیش‌داوری توجیه عقلایی فراهم می‌کند (همان، 83-78). روان‌شناسان اجتماعی نشان داده‌اند که در مواردی اسناد یک تصور قالبی به یک گروه اقلیت موجب می‌شود که با تداوم آن، اعضای آن گروه خود را به نحوی ادراک کنند که مردم آن را مشخص کرده‌اند و در نتیجه آنها هم خود را کم و بیش با آن تصور قالبی سازگار کنند (Steele & Aronson, 1995).

سیمون دوبوار در اثر خود به نام «جنس دوم» نیز در پی اثبات این فرضیه است که تصور قالبی و اسناد آن به جنس زن این احتمال را که آنان خود را جنس دوم و طبقه زیردست بدانند و تلقی کنند افزایش می‌دهد. زمانی که پیش‌داوری به عنوان نوعی خاص از وجهه نظر یا نگرش تعریف می‌شود، دو نکته مهم قابل تأمل است: اول آنکه پیش‌داوری‌کنندگان آن وجوه، جنبه‌ها، رفتارها و ویژگی‌های خاص گروه یا اعضای متعلق به جامعه‌ای را که در معرض پیش‌داوری است، برجسته و بزرگ می‌کنند و می‌کوشند آنها را خوار، حقیر، غریب، زشت و در مواردی مسخره و ابلهانه جلوه دهند، به طوری که آن ویژگی‌ها به طور مبالغه‌آمیزی برجسته و بزرگ جلوه داده می‌شوند. متقابلاً ابعاد و جنبه‌های مثبت و مطلوب فرهنگ گروه با ویژگی‌ها و خصوصیات خاص خود نادیده گرفته می‌شود. دوم آنکه چنانچه پیش‌داوری نگرشی منفی است، متعاقباً احساسات و عواطف منفی نیز از سوی پیش‌داوری‌کنندگان نسبت به افرادی که پیش‌داوری درباره آنان ابراز می‌شود بروز می‌کند، به طوری که چنین احساسات نامطبوعی زمینه

1 ignorance

را برای کنش‌های منفی در شکل تبعیض نسبت به پیشداوری‌شوندگان فراهم می‌کند (۱۳۸۰: ۱۶۱). پیشداوری‌ها چون سایر نگرش‌ها و وجهه‌نظرها، نحوه پردازش^۱ اطلاعات اجتماعی ما را متأثر می‌سازد و باورها و احساسات ما را نسبت به افراد یک گروه خاص تحت تأثیر قرار می‌دهد (Tomaka et al, ۱۹۹۷).

استیل و اورنسون (۱۹۹۵) پیشداوری‌ها را تحت سه وارسته جنسیتی، نژادی و قومی، آیینی و دینی قرار می‌دهند. در پیشداوری جنسیتی طبقه‌بندی افراد بر حسب جنس آنان و متعاقباً پیشداوری نسبت به آنها بر اساس جنسیتشان صورت می‌گیرد. در پیشداوری نژادی و قومی و آیینی و دینی نیز پیشداوری بر اساس قومیت یا نژاد و نیز آیین و مذهب افراد ابراز می‌شود. نگرش‌های کلیشه‌ای وجود انتظارات و باورها درباره اعضای گروهی را نشان می‌دهد که نسبت به ما متفاوت جلوه‌گر می‌شود. پیشداوری پاسخ عاطفی نسبت به پدیده و تبعیض نتایج آن بعد عاطفی را در عمل نشان می‌دهد (Denmark, 2010). تصورات قالبی کارکرد شناختی در سطح فردی و کارکرد اجتماعی در سطح بین‌گروهی دارند. به زعم گوردون آپورت، تصورات قالبی چندین کارکرد یعنی طبقه‌بندی اجتماعی، توجیه فعالیت‌های اعضای درون گروه در مقابل بیرون گروه و تمایزبخشی بین درون گروه و بیرون گروه دارد (۱۰۰: Haslam, et al. 2002). تفاوت نژادی، محل زندگی، سطح تحصیلات، پایگاه اقتصادی-اجتماعی در شکل‌گیری چنین تصوراتی تأثیر دارند. تصور قالبی بیانگر تضادی ساده شده، بررسی نشده و گاه نادرست در باب گروهی دیگر است (عضدانلو، ۱۳۹۰: ۳۲۸). در بسیاری از جوامع تصورات قالبی عامه از قبیل نسبت دادن هر یک از صفات خست، سادگی، زرنگی، مهمان‌نوازی و تعصب به ساکنان و یکی از مناطق جغرافیایی وجود دارد و نوعی پیش‌فرض عاطفی است. (سولیوان، ۱۳۹۰).

اغلب تحقیقات صورت گرفته متمرکز بر مطالعاتی در زمینه قومیت، جنسیت و مذهب است که در آنها پیشداوری‌ها، تصورات قالبی و تبعیض‌ها و تعصبات گروه‌های قومی، جنسیتی و مذهبی نسبت به یکدیگر بررسی و سنجیده شده‌اند. در ایران مطالعات و بررسی‌های انجام شده عمدتاً متمرکز بر باورهای قومی و ملی در شکل امثال و حکم، ضرب‌المثل‌ها، استعارات، کلمات قصار و عبارات و مضامین و اصطلاحات بوده است و خصلتی توصیفی و جنبه

گردآوری دارد، به طوری که تدقیق و تحقیق در باب زمینه‌یابی، سبب‌شناسی، شیوع و گستره، سنخ‌شناسی و استمرار و تداوم و کارکردهای اجتماعی آنها چندان مورد توجه نبوده است. مطالعات و تحقیقات علمی مربوط به پیش‌داوری‌ها و اندیشه‌های کلیشه‌ای در ایران هم به لحاظ کمیت و هم از حیث کیفیت قابل مقایسه با مطالعات انجام شده در سایر جوامع به ویژه جوامع غربی و صنعتی نبوده و اندک تحقیقات صورت گرفته عمدتاً متمرکز بر کلیشه‌های جنسیتی و باورهای عامیانه درباره قومیت‌هاست و از عمق و جامعیت لازم برخوردار نیست.

با توجه به قدمت تاریخی، وسعت سرزمینی، تنوع قومی، غنای فرهنگی، گوناگونی و تنوع آداب، عادات، رسوم، لهجه‌ها، گویش‌ها، مذاهب و کیش‌ها، وقایع و حوادث اتفاقیه و تجارب زیسته تاریخی، می‌توان گفت ایران سرزمینی است با اقوام، گروه‌ها و قومیت‌های متکثر و خرده‌فرهنگ‌های متنوع که در طول تاریخ متمادی و طولانی آن زمینه برای شکل‌گیری نگرش‌های مبتنی بر پیش‌داوری‌ها و اندیشه‌های کلیشه‌ای نسبت به برخی گروه‌های اجتماعی فراهم آمده است که ضرورت مطالعات علمی جامع و عمیق را در باب این نگرش‌ها ایجاب می‌کند. با نگاهی مجمل به تاریخ مطالعات و بررسی‌های علمی در باب پیش‌داوری‌ها و تصورات قالبی از نیمه دوم قرن بیستم معلوم می‌شود که بالغ بر دو سوم این مطالعات اساساً سوگیری‌های قومیتی، نژادی، آئینی و مذهبی و جنسیتی داشته‌اند و حدود یک سوم دیگر به موضوعاتی نظیر حُرّف و مشاغل، دولت‌مردان و سیاست‌مداران، کسب و کار و مسایل و موضوعات اقتصادی، مکان‌ها، سرزمین‌ها، آبادی‌ها (شهر، روستا، کشور، منطقه و...)، علما، ادبا، شعرا، نویسندگان، هنرمندان، ورزشکاران، روزنامه‌نگاران، معلولان، فرودستان و ضعفا، سالمندان، درویش، عیاران، اولیاء دین و روحانیون کسبه و بازاریان، کارمندان، معلمان، محصلان و مانند آن اختصاص داشتند (Richeson & Shelton, 2011:11-16).

در ایران سابقه و گستره مطالعات مربوط به پیش‌داوری‌ها و اندیشه‌های کلیشه‌ای علمی مخصوص در حوزه‌های علوم اجتماعی و روان‌شناسی اجتماعی چندان طولانی و وسیع نیست. اکثر فعالیت‌های پژوهشی در زمینه گردآوری^۱ باورهای قومی، امثال و حکم، ضرب‌المثل، باورهای عامیانه و برخی نگرش‌های مبتنی بر اندیشه‌های کلیشه‌ای متمرکز است.

اندک مطالعات جامعه‌شناختی، مردم‌شناختی، و روان‌شناختی اجتماعی انجام شده در ایران نیز در باب نگرش‌های کلیشه‌ای و تصورات قلبی فاقد جامعیت لازم و اغلب محدود به مطالعاتی در زمینه کلیشه‌های جنسیتی، باورهای عامیانه درباره قومیت‌ها و مانند آن است. بخش عمده‌ای از این مطالعات در ایالات متحده آمریکا انجام شده است. بر اساس یافته‌های پژوهشی گروه‌های فرهنگی مختلف در آمریکا از نظر عملکرد در امتحان با یکدیگر فرق دارند. آمریکایی‌های آسیایی تبار به عنوان یک گروه کمی بهتر از آمریکایی‌های انگلیسی‌تبار عمل می‌کنند، آنها نیز به نوبه خود بهتر از آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار عمل می‌کنند. چرا این اتفاق روی می‌دهد؟ دلایل متعددی وجود دارد (اقتصادی، فرهنگی، تاریخی و سیاسی)، اما یک عامل مهم اثرگذار موقعیت است و از اضطرابی نشئت می‌گیرد که توسط تصورات قلبی منفی ایجاد می‌شود. جوشوا آرونسون و همکاران در مجموعه‌ای از آزمایش‌های مشهور، قدرت آنچه را که تهدید تصورات قلبی می‌خواندند، نشان داده‌اند (Aronson, 1999).

در تحقیق دیگری کراندال و همکاران (2001) به مطالعه «کلیشه‌ها، به عنوان عاملی برای توجیه پیشداوری و تبعیض»^۱ پرداخته‌اند. به زعم آنان کلیشه‌ها دو کارکرد اصلی دارند که عبارت‌اند از آگاهی (متضمن و ارائه‌دهنده اطلاعات مربوط به گروه‌ها)، و توجیه (توجیه استدلالی تفاوت‌های مشاهده یا تجربه‌شده گروه‌ها). به لحاظ آگاهی، کلیشه‌ها متضمن دنیا بوده و از بابت توجیه، توضیح‌دهنده دنیا هستند. کلیشه‌ها نه تنها یک گروه را توضیح می‌دهند، بلکه دلیل ماهیت آن‌ها و اینکه به چه دلیل با آن‌ها آن‌گونه رفتار می‌شود را نیز توجیه می‌کنند (McGarty, Yzerbyt, & Spears, 2002). کارکرد آگاهی از دهه‌ها قبل حوزه توجه اصلی تحقیقات کلیشه‌ها بوده است. به عنوان نمونه، در صورت مفهوم‌سازی کلیشه‌ها به عنوان منابع قضاوت تبعیض‌آمیز یا تبعیض، این امر تلویحاً متضمن کارکرد آگاهی کلیشه‌ها خواهد بود (Haddock, et al, 1993).

۳. پرسش‌های تحقیق

هدف اصلی تحقیق حاضر حصول به استنباط نظری و تدوین مدل پارادایمی بر اساس رویکرد استراوس و کوربین در روش نظریه‌مبنایی^۲ (GTM) است. به این منظور سئوالات زیر برای

1 stereotype as justification for prejudice

2 Grounded Theory Method

توسعه مدل پارادایمی مذکور و حصول به شناختی جامع و فهمی عمیق و دقیق از تصورات قالبی و پیش‌داوری‌ها در جامعه درباره موضوعات تحت مطالعه مطرح می‌شود:

۱. شرایط علی شکل‌گیری و پیدایش پیش‌داوری‌ها و تصورات قالبی درباره اقوام و گروه‌های قومی از منظر سوژه‌های تحت مطالعه چیست؟
۲. شرایط زمینه‌ای شکل‌گیری و بروز پیش‌داوری‌ها و نگرش‌های کلیشه‌ای درباره گروه‌های قومی از منظر سوژه‌های تحت بررسی چیست؟
۳. شرایط میانجی و مداخله‌گر در پیدایش و شکل‌گیری تصورات قالبی و پیش‌داوری‌ها درباره گروه‌های قومی از منظر سوژه‌های تحت مطالعه کدام است؟
۴. چه راهبردهایی (استراتژی‌های کنش و کنش متقابل) در باب تصورات قالبی و پیش‌داوری‌ها درباره اقوام و گروه‌های قومی، از دیدگاه سوژه‌های تحت مطالعه قابل ذکر است؟
۵. پیامدهای ناشی از نگرش‌های کلیشه‌ای و پیش‌داوری‌ها درباره موضوعاتی نظیر اقوام و گروه‌های قومی از منظر سوژه‌های تحت مطالعه کدام است؟

۴. روش تحقیق

روش این تحقیق کیفی و مبتنی بر روش نظریه‌مبنایی GTM است. روش تحقیق معطوف به زمینه یا نظریه‌مبنایی عمدتاً بر راهبرد پژوهش استفهامی استوار است. هیگ^۱ آن را «استنتاج تبیین استفهامی»^۲ نام داده است که به منظور توسعه یک نظریه بر پایه داده‌های حوزه مورد مطالعه به کار می‌رود (Hage, 1992: 109-106). به نقل از محسنی تبریزی، (۱۳۹۵: ۱۳۴). به زعم استراوس و کوربین روش نظریه‌مبنایی شیوه‌ای است استفهامی در جهت فهم کنش کنشگران. نظریه‌مبنایی از مطالعه پدیده‌ای به دست می‌آید و به ساخت نظریه‌ای به صورت استقرایی منجر می‌شود تا محقق را قادر کند آن نظریه را با رویکردی قیاسی بیازماید. چنین نظریه‌ای از دل و درون داده‌های کیفی مأخوذ از کنشگران و بر اساس تفاسیر و برداشت‌های ذهنی آنان از واقعیت موضوعی استنتاج و ساخته می‌شود. از این رو نظریه‌مبنایی نظریه‌ای نیست که از قبل

1 Hage

2 conclusion of interrogative explanation

ساخته شده باشد و سپس آزموده شود. با استقراء پدید می‌آید و به نظریه‌ای بدل می‌شود تا مجدداً با رویکرد قیاسی بتوان آن را آزمود (1997:7-31) به نقل از محسنی تبریزی، (۱۳۹۵:۱۳۴).

در بخش مربوط به مطالعه کیفی داده‌های مربوط به عناصر اصلی مدل پارادایمی و نظریه مبنایی باورهای کلیشه‌ای و پیشداوری‌ها درباره گروه‌های قومی از شهروندان بالغ ساکن در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران با استفاده از شیوه نمونه‌گیری نظری و هدفمند و بر اساس ملاک قومیت و از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته بدون ساختار جمع‌آوری شده است. سوژه‌ها به صورت حضوری و داوطلبانه مورد مصاحبه قرار گرفتند. مصاحبه بر اساس محورهای سه‌گانه پرسش (چيست؟ چرا؟ و چگونه؟) اجرا گردید. در مجموع تعداد افرادی که در مصاحبه نیمه‌ساختاریافته^۱ و بدون ساختار^۲ مورد مصاحبه قرار گرفتند ۱۱ نفر بودند. بر حسب قومیت از مجموع افراد مورد مصاحبه ۳ نفر فارس، ۳ نفر ترک، ۳ نفر لر، و ۲ نفر کرد بودند. همه افراد تحت مصاحبه بر حسب طبقه اجتماعی در سه طبقه بالا، متوسط و پایین قرار داده شده بودند. برای تحلیل داده‌ها از دستورالعمل استراوس و کوربین و مدل پارادایمی آنان پیروی شد.

جدول (۱): سیمای اطلاعات مصاحبه‌شدگان بر اساس نگرش اقوام مختلف

جنسیت	زن	زن	زن	مرد	مرد	مرد	مرد	مرد	مرد	مرد
اقوام	کرد	فارس	ترک	فارس	ترک	ترک	لر	لر	لر	فارس
سن	۴۴	۵۵	۴۵	۷۰	۸۰	۳۵	۶۱	۲۳	۴۲	۵۹

منبع: خانی ۱۳۹۹

روش اصلی انتخاب سوژه‌ها نمونه‌گیری نظری بود. نمونه‌گیری نظری یکی از عمده‌ترین شیوه‌های تحلیل و تفسیر داده‌های کیفی به شمار می‌رود. در این شیوه از نمونه‌گیری، تعداد سوژه‌های تحقیق از پیش مشخص نیستند. سوژه‌ها با هدف کمک به پر شدن خانه‌های خالی ماتریس نظریه و با توجه به عناصر اصلی مدل پارادایمی در نظریه مبنایی شامل شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط میانجی و مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها انتخاب شده‌اند و نمونه‌گیری تا زمانی ادامه یافته است که مفهوم جدید از طریق مصاحبه‌ها به دست نیامده و اشباع نظری

1 semi – structured interview

2 unstructured interview

رخ نداده بود. تنظیم، تسنیق و تحلیل و تفسیر داده‌های مأخوذ از سوژه‌ها تا حصول به استنباط نظری و تنظیم مدل پارادایمی و نظریه‌مبنایی از طریق کدگذاری و تکوین نظام مقوله‌ای صورت گرفته است. در کدگذاری، ابتدا داده‌ها برحسب محورهای پرسش (چیست، چرا و چگونه) خرد شده، مفهوم‌پردازی شده و آنگاه دوباره به یکدیگر متصل شده‌اند. بر اساس روش GTM استراوس و کوربین از سه نوع کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده شده است. در کدگذاری باز، داده‌ها بر حسب محورهای مورد پرسش، به بخش‌های مجزایی تفکیک و ارزیابی شدند. از این طریق امکان شناسایی مفاهیم و اکتشاف آنها فراهم و ابعاد هر یک تشخیص داده شد. در کدگذاری محوری مفاهیم و مقوله‌هایی که در مرحله کدگذاری باز تعیین و آزاد شده بودند در ترکیبی جدید به یکدیگر متصل گردیده تا مشخص شود که مقوله‌های فرعی به دست آمده در بخش کدگذاری باز کدام‌اند و چگونه می‌توان این مقوله‌ها را در قالب یک مدل پارادایمی بر اساس رویکرد استراوس و کوربین تعیین و ترکیب کرد تا تصویر روشن‌تر و معقول‌تری از شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط میانجی و مداخله‌گر، راهبردها و استراتژی‌های کنش و کنش متقابل و پیامدها به دست آید.

در GTM شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط میانجی و مداخله‌گر، راهبردها (استراتژی‌های کنش و کنش متقابل) و پیامدها عناصر اصلی مدل پارادایمی استراوس و کوربین را تشکیل می‌دهند. در مرحله کدگذاری انتخابی بر اساس کدگذاری‌های باز و محوری، مقوله اصلی، مقولات فرعی و مفاهیمی که برای ساختن چارچوب نظری اولیه انتخاب و تنظیم شده بودند، در مدلی پارادایمی با یکدیگر مرتبط شدند تا به طور صریح مسئله و موضوع مورد تحقیق (اندیشه‌های کلیشه‌ای و پیش‌داوری‌ها درباره گروه‌های قومی، پیروان مذاهب و ادیان و زنان) بر اساس تفاهم متقابل محقق و سوژه توصیف و بیان شود. در این مرحله همچنین مقولات فرعی‌تر شناسایی شد و در یک سلسله‌روابطی آنها به مقوله بزرگ‌تر متصل گردیدند تا بیان و تفسیری جامع‌تر و کامل‌تر از پدیده مورد نظر و چیستی آن (شرایط علی)، شرایط زمینه‌ای، شرایط میانجی و مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها ارائه شود. روایی و اعتبار روش کیفی در رویکرد آمیخته تحقیق حاضر از سه طریق صورت گرفته است:

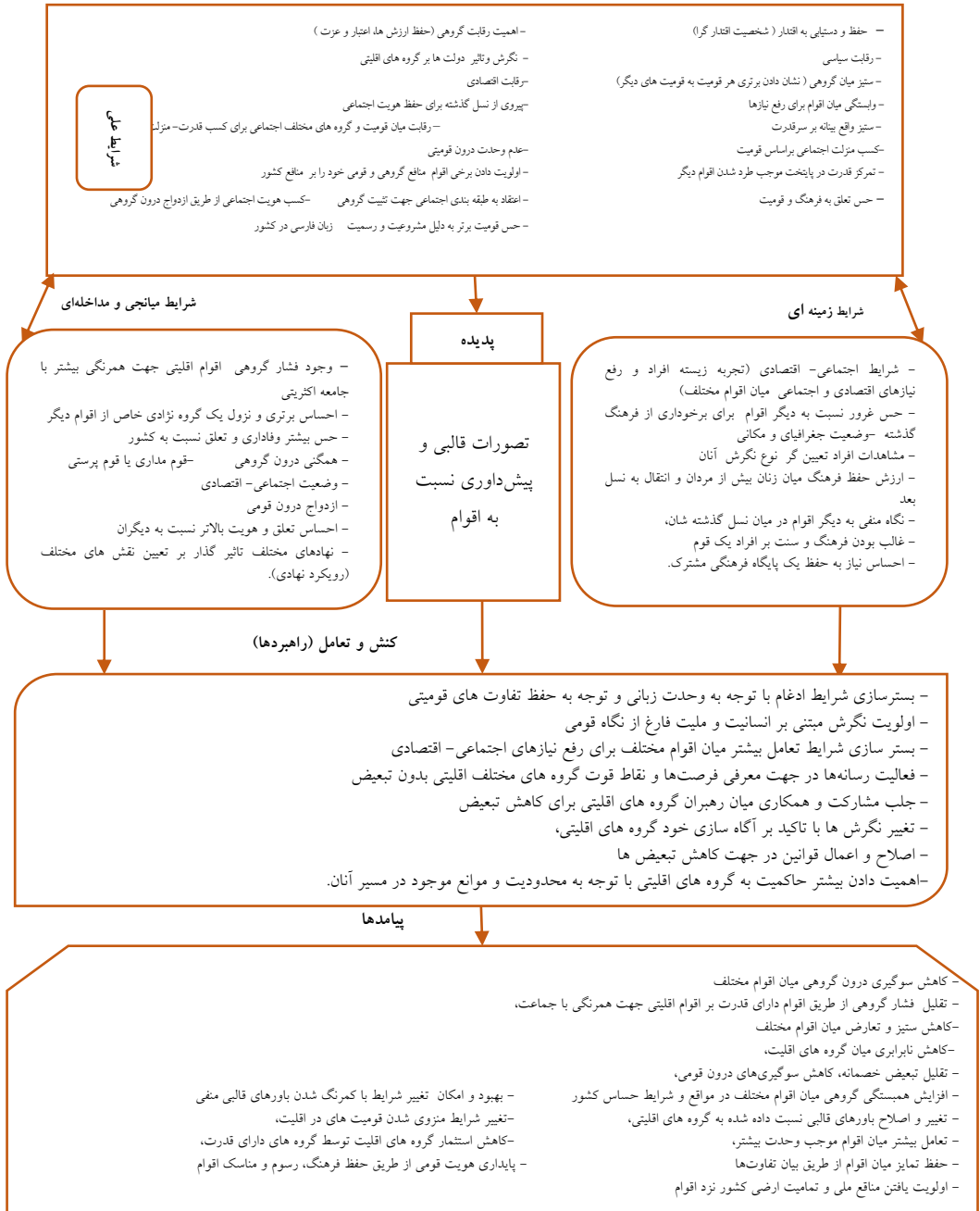
- ۱- کنترل و اعتباریابی توسط اعضا: در این روش از سوژه‌ها خواسته شد تا یافته‌های کلی را ارزیابی کنند و در مورد صحت آن و تفاسیر و برداشت‌های محقق نظر دهند. نیومن این نوع اعتباریابی را اعتبار اعضا می‌نامد (محمدپور، ۱۳۸۸: ۸۶).
- ۲- استفاده از تکنیک ممیزی^۱: در این طریق از چند متخصص تحقیق کیفی و صاحب نظر در حوزه مطالعات مربوط به روان‌شناسی اجتماعی خواسته شد تا بر مراحل مختلف اجرای GTM از مرحله طرح تحقیق، جمع‌آوری داده‌ها، کدگذاری، مفهوم‌سازی استخراج مقولات، برداشت‌های محقق و تنظیم مدل پارادایمی موضوع تحت مطالعه نظارت کنند.
- ۳- زاویه بندی نظری: دزین این شیوه را پیشنهاد کرده است. در این شیوه از مبانی نظری و تجربی مرتبط با موضوع تحقیق در مرحله توسعه مفاهیم حساس، تنظیم نظام مقولات و نیز در جهت تحلیل و تفسیر داده‌ها و یافته‌ها استفاده شده است (محسنی تبریزی، ۱۳۹۵: ۱۵۳).

۵. یافته‌های تحقیق

۵-۱- توسعه مدل پارادایمی تصورات قالبی و پیش‌داوری درباره اقوام

نتایج حاصل از داده‌های کیفی مأخوذ از مصاحبه عمیق با سوژه‌های تحت مطالعه نشان می‌دهد که سوژه‌ها باور دارند علل پیدایش تصورات قالبی و پیش‌داوری درباره اقلیت‌های قومی و اقوام عمدتاً شامل احساس نیاز به حفظ یا دستیابی به اقتدار، رقابت میان گروه‌های قومی برای کسب یا حفظ قدرت و منزلت، حفظ تعلق به فرهنگ و قومیت و کسب هویت اجتماعی از طریق ازدواج درون‌گروهی است. همچنین در میان اقوام اقلیت، مقابله با هژمونی فرهنگی و زبانی قوم مسلط در پایتخت و در میان قوم فارس حفظ برتری و رسمیت زبان فارسی است. در باب شرایط زمینه‌ای همان‌طور که استراوس و کوربین در مدل پارادایمی خود بیان می‌کنند «این شرایط، مجموعه خاصی از شرایطاند که در یک زمان و مکان خاص پدید می‌آیند تا مجموعه اوضاع و احوال یا شرایطی را به وجود آورند که اشخاص یا افراد (گروه‌ها) با عمل و تعامل خود به آنها پاسخ دهند. به عقیده آنها شرایط زمینه‌ای منشأ در شرایط علی دارند و محصول چگونگی تلاقی و تلفیق آنها با یکدیگرند» (1997:154-155). شرایط میانجی و مداخله‌ای نیز وضعیت‌هایی هستند که بر اتخاذ راهبردها و استراتژی‌های کنش تأثیرگذار

هستند. این شرایط بیانگر عناصری مناسب یا نامناسب هستند که آثار یک یا چند عامل تغییر را کندتر یا فعال‌تر می‌کنند. یکی از مؤثرترین شرایط میانجی یا مداخله‌ای در تصورات قالبی و پیش‌داوری نزد اقوام ایرانی، طبق تحلیل داده‌های کیفی تحقیق، وجود فشار گروهی بر اقوام برای هم‌رنگی با جامعه اکثریتی است. به عبارتی فشار گروهی درون قوم تصورات قالبی را نسبت به ویژگی‌های برتر قوم خود و پایین‌تر سایر اقوام تشدید می‌کند. احساس برتری و انتقال حس وفاداری نسبت به قوم خود، ازدواج‌های درون‌قومی، و احساس هویت و حس تعلق قومی احساس برتری نژادی قوم (گرایش راسیستی)، احساس وفاداری و تعلق بیشتر نسبت به سرزمین (گرایش ناسیونالیستی) به عنوان شرایط میانجی و مداخله‌گر در تداوم تشدید نگرش‌های کلیشه‌ای و پیش‌داوری عمل می‌کنند. با عنایت به کاربرد روش تحقیق نظریه بنیادی (GT) در تحلیل تصورات قالبی و پیش‌داوری قومیتی مدل پارادایمی مربوطه بر اساس رویکرد استراوس و کوربین به شرح نمودار زیر نشان داده می‌شود:



نمودار (۱): مدل پارادایمی تصورات قالبی و پیش‌داوری درباره اقوام

منبع: خانی ۱۳۹۹

۵-۲- نتایج مقولات استخراج شده از داده‌های کیفی با محوریت اقوام و قومیت

بر اساس سؤال اول پژوهش «شرایط علی شکل‌گیری و پیدایش پیشداوری‌ها و تصورات قالبی درباره اقوام و گروه‌های قومی از منظر سوژه‌های تحت مطالعه چیست؟» برخی از نتایج مطالعه کیفی به شرح زیر گزارش می‌شود:

۱. شرایط علی

۱-۱- ستیز بر سر قدرت

ستیز و جنگ بر سر قدرت باعث می‌شود همه قطب‌های قدرت همدیگر را دفع و نیروهای متقابل را خنثی کنند. این وضع موجب ائتلاف انرژی و هم‌فرسایی می‌شود. در این شرایط هیچ کس به دیگری اعتماد ندارد و اوضاع و احوال کشور مانند کلاف سردرگمی می‌شود که امکان چاره‌اندیشی و درک شرایط مردم را دشوار می‌کند.

۱-۲- رسمیت زبان فارسی و بی‌توجهی به زبان‌های دیگر

رسمیت زبان فارسی در کشور مزایا و معایب خاص خود را دارد. یکی از فارسی‌زبانان می‌گوید: «اگر کردها نخواهند فارسی‌زبان‌ها از موضوعی سر در بیاورند به زبان خودشان گفتگو می‌کنند. در این مورد می‌توان به میادین میوه و تره‌بار در تهران اشاره کرد که بیشتر آنها در اجاره اقوام گُرد است. آنها به راحتی در حضور مشتری‌های فارسی‌زبان به زبان کردی خود حرف می‌زنند بی آنکه که فارسی‌ها یک کلمه از آنها سر در بیاورند». از سوی دیگر اقوامی که مجبور به صحبت به زبان به فارسی هستند با آن مخالفند: «از سایر اقوام توقع دارند که همگی آنان قادر به صحبت کردن به فارسی باشند». همچنین اهمیت زبان، فرهنگ و قومیت برای کردها نیز قابل توجه است: «فرهنگ و زبان و سنت و هنرمان باقی نماند. این برای کرد یعنی همه چیز کرد. برای آن کرد باقی مانده» یا اینکه تصور می‌شود فارس‌ها خود را برتر می‌دانند، چون به فارسی که زبان رسمی کشور است صحبت می‌کنند: «تمایز قوم فارس در ارتباط با سایر اقوام در این است که زبان خود را به خاطر رسمی بودن زبان فارسی در کشور، برتر می‌دانند». «از سایر اقوام توقع دارند که همگی آنان قادر به صحبت کردن به فارسی باشند».

همچنین تأثیر فرهنگ و زبان محل زندگی بر زبان و فرهنگ قومیتی فرد را می‌توان در نقل قول زیر مشاهده کرد: «اقوام ترکی که سال‌های زیادی در تهران زندگی می‌کنند خیلی زیاد با فارسی‌زبانان هماهنگ و به‌روز شده‌اند» «زبان فارسی، زبان رسمی کشور است، هرچند که اقوام ذکر شده در شهرهای خود به زبان خودشان صحبت می‌کنند، ولی همهٔ آنها (بیشترشان) زبان فارسی را می‌دانند». «زبان فارسی حلقه اتصال و ارتباط میان اقوام مختلف است». غالب شدن شرایط سکونت بر فرهنگ مهاجران از جمله زبان فارسی نیز مورد اشاره است: «بیشتر اقوامی که سالیان طولانی در شهرهای فارسی‌زبان به ویژه در تهران زندگی می‌کنند از نظر فرهنگی کاملاً شبیه خود فارس‌زبان‌ها شده‌اند که این خود خاصیت زندگی در پایتخت است»

۱-۳- توسعه تهران و عدم توسعه استان‌ها و مهاجرت

توسعه‌یافتگی تهران و تمرکز امکانات در آن در کنار عدم توسعه شهرستان‌ها مورد توجه پاسخ‌گویان بوده است، به نحوی که محدودیت‌های بیرونی را عامل خروج از زادگاه خود دانسته‌اند: «این مثل ماه روشن است که ما اگر شرایط قابل قبول در زادگاهمان داشته باشیم حتی حاضر نمی‌شویم از شهرمان پا بیرون بگذاریم» یا فرد دیگری می‌گوید: «به باور من هسته اصلی تهران است و این اثرات منفی از این سمت نشأت می‌گیرد. وقتی ما یک الگو می‌سازیم مثلاً دو موضوع «ثروت» و «محترم بودن»، این دو وقتی کنار هم پذیرفته می‌شوند، تبدیل به یک الگو برای دیگران می‌شوند. احترام با خودش چیزی به نام فرهنگ را حمل می‌کند. یعنی احترام می‌تواند حامل فرهنگ باشد و این اتفاق مثلاً در هموطنان شمالی - که دسترسی بهتر و نزدیک‌تری به تهران دارند- بیشتر هویدا است».

۱-۴- اولویت‌ها و تعصبات قومی

تعصبات قومی، اولویت دادن به قوم خود، تعصب برای حفظ فرهنگ قومی و کسب منزلت اجتماعی از طریق قومیت نیز در پاسخ مصاحبه‌شوندگان قابل‌بازبایی است. در زیر برخی نقل‌قول‌ها با این محور ذکر شده است: «بله هنوز هم کردها اولویت را در زندگی به هم‌قومی خود می‌دهند» «ما با کوه و دشت و لباس و موسیقی خودمان همه چیز داریم».

۲- شرایط زمینه‌ای

در پاسخ به سؤال دوم تحقیق «شرایط زمینه‌ای شکل‌گیری و بروز پیش‌داوری‌ها و نگرش‌های کلیشه‌ای درباره گروه‌های قومی از منظر سوژه‌های تحت بررسی چیست؟» برخی از این شرایط به شرح زیر است:

۲-۱- تمایل به حفظ سنت‌های بومی و قومی

اغلب اقوام به ویژه نسل‌های گذشته و رو به سالمندی تمایل به حفظ سنت‌ها و آداب قوم خود دارند. هر چند جوانان قوم کرد نیز این تمایل را دارند و بر سنت و ارزش‌های خود تأکید می‌کنند: «ولی در سنج و اورامانات واقعاً اغلب تمایل به حفظ این سنت هست» یا اینکه علاقه بیشتر ترک‌های تبریزی به زادگاه‌شان در حفظ سنت‌ها مؤثر است: «درباره تمایل به یک جا بودن یا پراکندگی، در مورد ترک‌های تبریز می‌دانم که شاید بیشتر این خصلت را دارند و دوست دارند در شهر خود مستقر باشند با توجه به فرهنگشان». زبان ترکی هم به عنوان بخشی از فرهنگ این قوم همواره مورد توجه بوده است: «البته علیرغم مصائبی که در خصوص دو قوم ترک‌ها و کردها گفته می‌شود، ستاره‌ای همچنان قدیمی در حال روشن و خاموش شدن است و آن زبان است». در پاسخ به پرسش سوم این پژوهش «شرایط میانجی و مداخله‌گر در پیدایش و شکل‌گیری تصورات قالبی و پیش‌داوری‌ها درباره گروه‌های قومی از منظر سوژه‌های تحت مطالعه کدام است؟ برخی از میانجی‌ها شامل موارد زیر است:

۳- شرایط میانجی و مداخله‌گر

۳-۱- فشار گروهی برای هم‌نگی با جماعت

قوم کرد خود را قربانی فشارهای متمرکز سیاسی و حکومتی می‌داند که همواره در همه دوره‌ها تحت این فشارها بوده است. این موضوع در بیان مصاحبه‌شوندگان نیز وجود دارد. «قومیت کرد واقعاً در کشورهای ایران، سوریه، عراق و ترکیه در طی یک قرن اخیر تفاوت کرده و به قدری سرکوب شده - در آن سه کشور بیشتر - که نمی‌شود بگویم اگر امروز آزادی‌اش حفظ شده بود چقدر می‌توانست بهتر و رشدیافته‌تر باشد» «در تمام خاندان‌های کرد قربانیان بی‌گناه سیاسی وجود دارند که سران آنها خوب از آنها سوءاستفاده کردند». پیش‌داوری‌ها و تصورات

قالبی می‌تواند ستیز و تعارض‌های درون‌گروهی و برون‌گروهی را میان اقوام رقم بزند؛ تصویری که دائماً از نسلی به نسل دیگر انتقال پیدا می‌کند و درونی می‌شود. تعصب‌های قومی و عدم وحدت مورد اشاره مصاحبه‌شوندگان بوده است.

۳-۲- عدم وحدت درون‌قومیتی

قوم ترک که گستره زیادی دارد در درون خود با تنوع فرهنگی و زیستی روبه‌رو است. گاهی این تنوع در درون اقوام می‌تواند به زمینه‌ای برای سوءبرداشت یا تصورات مثبت و منفی تبدیل شود، چنان که یک مصاحبه‌شونده ترک می‌گوید: «جالب است که اقوام ترک‌زبان هم نسبت به خودشان تعصب دارند با اینکه همگی ترک‌زبان اما با لهجه‌های متفاوت هستند، ولی تعصب در مورد زبانشان وجود دارد» یا احساس برتری یک گروه از قومی بر گروه‌های دیگر، مثلاً احساس برتری تبریزی‌ها نسبت به دیگر اقوام ترک: «مردم تبریز مثال خوبی هستند. آنها معتقدند که به‌طور کلی تبریزی‌ها در بین همهٔ ترک‌ها از همه ستر هستند و زبان اصلی ترکی فقط تبریزی است که این خود یک ویژگی منفی برای آنان به حساب می‌آید».

۳-۳- برتری اقوام نسبت به یکدیگر

در برابر تمایل به وحدت ملی که بیشتر به منظور کسب منافع جمعی دنبال می‌شود، تأکید بر ابعاد و هویت قومی و تلاش برای برتری‌جویی را نیز می‌توان مشاهده کرد، همچنین نفی برتری‌جویی قومی را نیز می‌توان یافت. از یک سو به دنبال برتری و از سوی دیگر در مذمت برتری‌جویی قومی سخن گفته شده است که در ادامه می‌آید. نقل قول یکی از افراد قوم ترک: «باید بگویم قوم ما هیچ‌گونه ویژگی‌های خاصی ندارد و متفاوت از سایر اقوام هم نیست» «زیرا شهروند‌های شهرهای دیگر را به عنوان فرد درجه دو می‌دانند، مانند ما که افغان‌ها را جزو شهروند‌های درجه دو شاید بدانیم یعنی حق تابعیت ایرانی را به آنها نمی‌دهیم (البته این به گفته یکی از خود تبریزی‌ها بود) و جالب است بدانید در عین حال به مسافران غریبه محل نمی‌گذارند و حتی در دادن آدرس هم درست راهنمایی نمی‌کنند» «از نظر رفتار مثبت ویژگی کردها همواره توجه به دانش و تحصیل و فرهنگ بوده که در تمام تاریخ روشن است» حال باید به نقل قول‌هایی توجه کرد که برتری قومی را منفی می‌شمارد: «برتری یک قوم نسبت به

قوم دیگر یعنی فاشیست بودن. برتر دانستن قومی از قوم دیگر اختلاف بزرگی بین اقوام به وجود می‌آورد. در این مورد باید به سعدی متوسل شویم: بنی آدم اعضای یک پیکرند...»

۳-۴- نگاه تبعیض‌آمیز میان اقوام مختلف به یکدیگر (رقابت میان‌گروهی)

اقوام مختلف برای خود و برای اقوام دیگر ویژگی‌های مثبت و منفی برمی‌شمارند یا خود را دارای ویژگی مثبت می‌دانند و اقوام دیگر را منفی قلمداد می‌کنند یا آنکه برخی ویژگی‌های مثبت اقوام را بیان می‌کنند. جایگاه اقوام نزد هم بر اساس تصورات و تفکراتی تشکیل شده است که بعضاً دیده یا اغلب شنیده‌اند. یک پاسخگو شناخت اقوام دیگر برای دستیابی به فرهنگ والاتر را این‌طور بیان می‌کند: «نتیجه اینکه واکاوی فرهنگ اقوام اگر برای بازشناسی نکات فرهنگی خوب هر قوم اعم از دینی یا غیردینی باشد، بسیار کار ارزشمند و شایسته و بایسته و والایی است» یا یک پاسخگوی ترک عدم نگاه تبعیض‌آمیز میان اقوام ترک نسبت به اقوام دیگر را چنین بیان می‌کند: «قوم من، همه اقوام را به یک چشم نگاه می‌کند».

مهمان‌نوازی و علاقه به علم و ادب و ویژگی ترک‌های زنجان و عدم علاقه تبریزی‌ها به مهمان‌غریبه و ویژگی تبریزی‌ها بیان می‌شود: «ترک‌های زنجان به غریب‌نوازی مشهورند. بسیار مهمان‌نوازند و غریبه‌هایی که از شهرهای دیگر به زنجان می‌آیند، مورد احترام و استقبال مردم زنجان قرار می‌گیرند. از طرفی ترک‌های زنجان مؤدب هستند و به تحصیلات اهمیت زیادی می‌دهند، به‌خصوص به کتاب خواندن» «ترک‌های تبریز به غریب‌گزندی مشهورند یعنی مهمان‌نواز غریبه‌ها نیستند». توجه به ویژگی‌های درون‌گروهی مانند ازدواج در قوم لر نیز بیان شده است: «اگر قصد ازدواج داشته باشند می‌شود گفت که با همشهری خود دوست دارند و صلت کنند. لرها آدم‌هایی ساده و با سنت‌های مخصوص خود هستند». اشاره به خودبرتری‌بینی ترک‌های تبریز میان ترک‌ها توسط یک فرد اهل زنجان این‌طور بیان می‌شود: «در مورد ترک‌ها به جز ترک‌های تبریز که خود را برتر می‌دانند، ترک‌های دیگر چنین عقیده‌ای ندارند». اما از نوع دوستی بیشتر میان ترک‌های زنجان می‌گویند: «ترک‌های زنجان با توجه به شناختی که از آنها دارم در مورد اقوام دیگر با تعصب برخورد نمی‌کنند و همچنین قضاوت نمی‌کنند» «در مورد ترک‌های تبریز خوب مسلماً با هم‌قومی خود می‌خواهند تنها مراد کرده‌اند و در مورد

بعضی از قوم‌ها تعصب به خرج می‌دهند» که نشان از علاقه بیشتر ترک‌های تبریز به رابطه درون‌گروهی دارد.

پرسش چهارم این پژوهش «چه راهبردهایی (استراتژی‌های کنش و کنش متقابل) در باب تصورات قالبی و پیشداوری‌ها درباره اقوام و گروه‌های قومی، از دیدگاه سوژه‌های مورد مطالعه قابل ذکر است؟» با طرح موارد زیر توسط مصاحبه‌شوندگان پاسخ داده شده است:

۴- راهبردها

۴-۱- حفظ یک پایگاه فرهنگی مشترک (کاهش تفرقه و تلاش برای وحدت میان اقوام)

یک پاسخگوی کرد معتقد بود تأکید بر تمایزات قومی موجب تفرقه می‌شود. وی گفت «نباید اقوام ایرانی را از هم متمایز کنیم و برای هر کدام ایراد یا شایستگی قائل شده و آن را به یقه تک‌تکشان سنجاق کنیم». یا اینکه بیان تمایزات اقوام موجب تفرقه می‌شود و باید از آن خودداری کرد: «در غیر این صورت همان‌گونه که تاکنون قدرت‌مداران دینی و غیردینی انجام داده‌اند به جز ایجاد تفرقه در بین این اقوام چندگانه مستقر در فلات ایران و حکومت‌گری به سود خویش بهره‌ای در برداشته است. نمونه امروز ستیز میان قوم آرمی در ارمنستان امروز با قوم ترک در آذربایجان مجزا شده از ایران است و این باعث شرمی تاریخی در آزاداندیشی مردمان پاک سرشت ماست». بنابراین توجه به وحدت و عدم تفرقه نیز مورد توجه است تا این وحدت زمینه‌ساز آرامش و توسعه و پیشرفت برای هر قوم باشد.

۴-۲- عدم نسبت دادن ویژگی‌های مثبت و منفی فردی به همه اقوام

هر فردی بدون توجه به قومیت خود دارای ویژگی‌های مثبت و منفی فردی و خانوادگی است، اما تعمیم این نکات به اقوام یا کل یک قوم منجر به افزایش شکاف و بازتولید تصورات قالبی می‌شود. نقل قول‌های زیر از این دست است: «هر قومی دارای رفتار و کردار منفی و مثبت است، منتها این رفتارهای مثلاً منفی را نباید به حساب کل قوم گذاشت، همین طور است رفتارهای مثبت». «نسل‌های گذشته ما، اغلب فارس‌ها را سازش‌کار و متقلب و منفعت‌طلب می‌دیدند که هیچ‌وقت واقعاً اهل ایستادگی در مورد هیچ‌چیز نیستند و لرها را بسیار سطحی و راحت‌طلب می‌دانستند».

«پیامدهای ناشی از نگرش‌های کلیشه‌ای و پیش‌داوری‌ها درباره موضوعاتی نظیر اقوام و گروه‌های قومی از منظر سوژه‌های مورد مطالعه کدام است؟» این آخرین پرسشی است که پاسخگویان به آن پاسخ داده‌اند:

۵- پیامدها

۵-۱- اهمیت منافع سیاسی و ملی کشور نزد اقوام

جایگاه منافع ملی کشور و تلاش برای حفظ آن با توجه به تنوع قومی کشور مفهومی است که گاهی در برابر استقلال‌خواهی یا اولویت منافع قومی بر منافع ملی قرار می‌گیرد. برداشت و تصور اقوام از این بُعد نسبت به یکدیگر قابل توجه است. برخی دیگری را به منفعت‌طلبی فردی یا حتی قومی متهم می‌کنند و برخی دیگر خود را مدافع منافع سیاسی و ملی می‌دانند و هر حاکمیتی را خودشان آوردند و خودشان هم سازش کردند! اصلاً اهل تلاش برای تغییر و ایستادگی بر اصول نبودند، انگار اصلاً رشد سیاسی و حفظ سنت یا فرهنگ برایشان مفت ارزش ندارد». نقل قول فوق که از یک فرد نقل شده نشان می‌دهد پابندی به اصول را در میان خود زیاد و در دیگران ناچیز می‌دانند و کم‌اهمیت‌تر بودن آینده سیاسی کشور میان اقوام غیرکرد را نیز نشان می‌دهد. تقدم منافع کشور نسبت به منافع فردی میان اقوام کرد با نقل قول زیر نمایان می‌شود: «ولی واقعاً کردها با بیشترین سختی‌ها، کم‌ترین گروه مهاجران را در دوران جنگ تحمیلی داشتند». از سویی تصور از اولویت اقوام دیگر میان نفع فردی خود نسبت به منافع کشور در این جمله مشهود است: «لرها در بدترین شرایط سیاسی کشور همیشه در حال نزاع و درگیری و قمه‌کشی بین خودشانند! این‌ها را ما بد می‌دانیم» چنان‌که مشهود است نگاه نه چندان مطلوبی نسبت به منفعت‌طلب بودن یا نبودن هر قوم وجود دارد. اغلب خود را حافظ منافع ملی و اقوام دیگر را به دنبال منافع خود قلمداد کردند.

۵-۲- تمایل به وحدت ملی در برابر وحدت قومی

در این میان تمایل به وحدت ملی در برابر وحدت قومی و برعکس آن، یعنی تأکید بر قومیت در برابر ملیت مشاهده می‌شود. تحولات اجتماعی و اختلاط قومی، وابستگی‌های اقتصادی و فرهنگی این وحدت ملی را بیش از پیش مورد توجه قرار داده است. نقل قول زیر مؤید این مطلب است: «شاید در گذشته‌های دور این‌گونه نبود، ولی امروزه به دلیل ارتباطات زیاد و سفر

به شهرهای کشور این‌گونه تعصبات کمی تا قسمتی زیاد رنگ باخته است» یا نقل قول: «البته نباید رفت و آمدها به شمال و شمال شرق از سوی تهرانی‌ها یا فارس‌ها به این دو نقطه را دست‌کم گرفت. حتی این رفت‌وآمدها، فرهنگ و زبان را با خودش حمل می‌کند» که نشان از تعامل بیشتر میان اقوام و وحدت بیشتر است. نقل قول‌های زیر نیز تأییدکننده تمایل به وحدت ملی است. «امروزه همهٔ اقوام به خاطر شرایط و مسائل اقتصادی مشتاق به ارتباطات گسترده و از نظر داد و ستد و تجارت حاضر به همکاری‌های گسترده هستند».

۶- بحث و نتیجه‌گیری

شرایط علی در نظریهٔ مبنایی بیانگر چرایی و چگونگی واکنش سوژه‌ها به یک پدیده خاص است (محسنی تبریزی، ۱۳۹۵). مجموعه‌ای از علل و عوامل برآمده از پژوهش که نقش کلیدی در تبعیض و نگرش‌های موجود دارد مانند، حفظ و دستیابی به اقتدار (شخصیت اقتدارگرا) در گروه‌های مختلف به عنوان شرایطی تلقی می‌شود که می‌تواند تعیین‌کننده فرایندهای آتی باشد. در حوزه اقوام و گروه‌های قومی نیز اعمال قدرت اکثریت بر اقلیت و وجود شخصیت‌های اقتدارگر تعیین‌کننده بوده است. بنابراین تلاش گروه‌های اقلیت برای دستیابی به بخشی از قدرت به اشکال مختلف در جهت تغییر شرایط خواهد بود. اهمیت رقابت گروهی به منظور حفظ ارزش‌ها، اعتبار و عزت گروه در برابر گروه‌های دیگر در اینجا معنا پیدا کرده و بخشی از فرایند قدرت‌یابی گروه‌های فاقد قدرت در جامعه را نشان می‌دهد. این تلاش‌ها به تدریج به ستیز و درگیری منتهی می‌شود. ستیز میان گروهی (نشان دادن برتری هر قومیت به قومیت‌های دیگر) در جهت ارتقای جایگاه فعلی است. از سوی دیگر ستیز واقع‌بینانه بر سر «قدرت - رقابت» میان قومیت و گروه‌های مختلف اجتماعی برای کسب «قدرت - منزلت» شکل می‌گیرد. الگوهای ذهنی، تصورات قالبی و پیش‌داوری‌ها که در این مسیر شکل گرفته است خود را به شکل ستیز و درگیری نشان می‌دهد. طبقه‌بندی اجتماعی جهت تثبیت گروهی نیز ابزاری می‌شود تا گروه حال اقلیت باشد یا اکثریت خود را در برابر گروه‌های دیگر نشان دهد. تلاش برای حفظ هویت‌های اجتماعی، قومی و دینی طریق ازدواج یا پیروی از آداب و سنت‌های نسل‌های گذشته برای این هویت معنا پیدا می‌کند. رقابت‌های سیاسی برای کسب مستقیم قدرت صورت گرفته و رقابت‌های اقتصادی برای کسب ثروت و دارایی‌های مالی نیز به افزایش قدرت کمک می‌کند.

شرایط زمینه‌ای مجموعه خاصی از شرایط‌اند که در زمان و مکان خاص پدید می‌آیند تا مجموعه اوضاع و احوال یا شرایطی را به وجود آورند که اشخاص یا افراد با عمل و تعامل خود به آن پاسخ می‌دهند. شرایط زمینه‌ای منشأ در شرایط علی و دخیل دارند و محصول چگونگی تلاقی و تلفیق آنها با یکدیگر برای شکل دادن به الگوهای مختلف با ابعاد گوناگون‌اند (محسنی تبریزی، ۱۳۹۵). از عوامل زمینه‌ای برآمده در این پژوهش حس غرور نسبت به دیگر اقوام برای برخورداری از فرهنگ گذشته، نگاه منفی به دیگر اقوام در میان نسل گذشته‌شان، غالب بودن فرهنگ و سنت بر افراد یک قوم، تمایل به حفظ سنت‌های بومی و احساس به حفظ یک پایگاه فرهنگی مشترک.

شرایط مداخله‌گر وضعیت‌هایی است که بر اتخاذ راهبردها و کنش و تعامل تأثیرگذار هستند. به عبارت دیگر این شرایط بیانگر عوامل و عناصری مناسب یا نامناسب هستند که آثار یک یا چند عامل تغییر را کندتر یا فعال‌تر می‌کنند (محسنی تبریزی، ۱۳۹۵). شرایط مداخله‌گر در این پژوهش عبارت‌اند از وجود فشار گروهی اقوام اقلیتی جهت هم‌رنگی بیشتر با جامعه اکثریتی، احساس برتری و نزول یک گروه نژادی خاص از اقوام دیگر، حس بیشتر وفاداری و تعلق نسبت به کشور و برتری مردم کشور خود نسبت به کشور دیگر، همگنی درون‌گروهی، قوم‌مداری یا قوم‌پرستی، و احساس حس تعلق و هویت بالاتر نسبت به دیگران.

راهبرد مکانیزم تدبیری است که در برخورد با پدیده به کار گرفته می‌شود. کنشگران جهت تحقق پدیده به تدابیری می‌اندیشند و با توجه به شرایط و امکانات موجود راهبردی را اخذ می‌کنند (محسنی تبریزی، ۱۳۹۵). راهبردهایی که از کنش و تعامل شرایط علی، شرایط زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر در پدیده نگرش‌های کلیشه‌ای و پیش‌داوری قومی، بر اساس مدل پارادایمی و با استعانت از داده‌های تحقیق کیفی به دست می‌آید عبارت‌اند از: بسترسازی شرایط ادغام با حفظ تفاوت‌های قومیتی بر مبنای اشتراکات فرهنگی به‌ویژه زبان مشترک، اولویت دادن نگرش مبتنی بر اشتراکات انسانی و ملیتی فارغ از نگاه قومی، جلب مشارکت و همکاری رهبران و بزرگان اقوام برای کاهش تبعیض، فعالیت برای آگاه‌سازی گروه‌های قومی اقلیتی با مشارکت افراد تأثیرگذار درون اقوام، اصلاح و اعمال قوانین در جهت رفع تبعیض‌ها، توجه بیشتر حاکمیتی به اقلیت‌های قومی.

آخرین بخش از نظریه مبنایی مربوط به پیامدها است که پیامدها در واقع بر اساس بکارگیری هر یک از راهبردها، نتایجی حاصل خواهد شد و پیامدهایی در پی دارد (محسنی تبریزی، ۱۳۹۵). پیامدهایی که از بکارگیری راهبردهای پژوهش کسب خواهد شد عبارت‌اند از کاهش سوءگیری درون‌گروهی میان اقوام مختلف، تقلیل فشار گروهی از طریق اقوام دارای قدرت بر اقوام اقلیتی جهت هم‌رنگی با جماعت، کاهش ستیز و تعارض میان اقوام مختلف، کاهش نابرابری میان گروه‌های اقلیت، تقلیل تبعیض خصمانه، کاهش سوءگیری‌های درون‌قومی، تغییر و اصلاح باورهای قالبی و نسبت داده شده به گروه‌های اقلیتی، تغییر شرایط منزوی شدن قومیت‌های در اقلیت، تعامل بیشتر میان اقوام موجب وحدت بیشتر، کاهش استثمار گروه‌های اقلیت توسط گروه‌های دارای قدرت، مهم واقع شدن منافع سیاسی و ملی کشور نزد اقوام.

منابع

- بیرو. آلن (۱۳۸۰). *فرهنگ علوم اجتماعی*. ترجمه باقر ساروخانی. تهران: سمت.
- خانی. علیرضا (۱۳۹۹). *تبیین و تحلیل جامعه‌شناختی نگرش‌های کلیشه‌ای و پیش‌داوری در جامعه ایران معاصر*. پایان‌نامه دکتری. استاد راهنما: علیرضا محسنی تبریزی. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- دوبووار. سیمون (۱۳۸۰). *جنس دوم*. ترجمه قاسم صنعودی. جلد دوم. تهران: توس.
- سولیوان. تام (۱۳۹۰). *مفاهیم کلیدی ارتباطات*. ترجمه سیدحسین رئیس‌زاده. تهران: فصل نو.
- عضدائلو. حمید (۱۳۹۰). *آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی*. تهران: نی.
- کلاین برگ. اتو (۱۳۵۴). *روان‌شناسی اجتماعی*. ترجمه علیمحمد کاردان. تهران: اندیشه.
- لرد کرزن. (۱۳۴۷). *ایران و مسئله ایران*. ترجمه علی جواهرکلام. تهران: ابن سینا.
- محسنی تبریزی. علیرضا (۱۳۹۵). *روش تحقیق کیفی در مکاتب تفسیری (زمینه و کاربرد)*. تهران: اطلاعات.
- محمدپور. احمد (۱۳۸۸). *روش تحقیق کیفی*. تهران: جامعه‌شناسان.

Aronson. E. (1999). *The Social Animal* (8th ed). New York: Worth Publishers. Freeman.
Baron. R., Byrne. D., Watson. G. (2001). *Exploring Social Psychology*. Toronto: Pearson Education. Canada Inc.

- Cox. William T.L., Abramson. Lyn Y., Devine. Patricia G., Hollon. Steven D. (2012). **Stereotypes, Prejudice, and Depression: The Integrated Perspective**. *Perspectives on Psychological Science*. 7 (5). 427-449.
- Crandall. C.S., D'anello. S., Sakalli. N., Lazarus. E., Wiczorkowska. G., Feather. N.T. (2001). **An Attribution-Value Model of Prejudice: Anti-Fat Attitudes in Six Nations**. *Personality and social Psychology Bulletin*. 27. 30-37.
- Denmark. Florence (2010). **Prejudice and Discrimination**. In: Weiner. Irving B., Craighead. W. Edward. *The Corsini Encyclopedia of Psychology*. Volume Three (4th ed) Hoboken. NJ. John Wiley. P. 1277.
- Dresler. D. (1973). **Sociology: The Study of Human Interaction**. New York: Alfred and Knopf Inc.
- Haddock. G., Zanna. M.P., Esses. V.M. (1993). **Assessing the Structure of Prejudicial Attitudes: The Case of Attitudes toward Homosexuals**. *Journal of personality and social psychology*. 65(6). 1105.
- Haslam. S.A., Turner. J.C., Oakes. P.J., Reynolds. K.J., Doosje. B. (2002). **From Personal Pictures in the Head to Collective Tools in the World: How Shared Stereotypes Allow Groups to Represent and Change Social Reality**. *Stereotypes as Explanations: The Formation of Meaningful Beliefs about Social Groups*. 157-185.
- Inzlicht. M., Schmader (2012). **Stereotype Threat**. Oxford: Oxford University Press.
- Lippmann. W. (1954). **The Public Philosophy**. Hamilton. p. 123.
- McGarty. C., Yzerbyt. V.Y., Spears. R. (Eds.) (2002). **Stereotypes as Explanations: The Formation of Meaningful Beliefs about Social Groups**. Cambridge University Press.
- Richeson. J.A., Shelton (2011). **Negotiating Interracial Interactions: Costs, Consequences and Possibilities**. *Current Directions in Psychological Science*. 16. 316-320.
- Steele. C.M., Aronson. J.M. (1995). **Stereotype Threat and the Intellectual Test Performance of African-Americans**. *Journal of Personality and Social Psychology*. 69. 797-811.
- Strauss. A., Corbin. J. M. (1997). **Grounded Theory in Practice**. Sage.
- Tomaka. J., Blascovich. J., Kibler. J., Ernst. J.M. (1997). **Cognitive and Physiological Antecedents of Threat and Challenge Appraisal**. *Journal of personality and social psychology*. 73(1). 63.